

# کانون وکلای

شماره ۸۰

خرداد - تیرماه ۱۳۴۱

سال چهاردهم

دکتر محمد شاهکار  
وکیل دادگستری

## « متهم و گردش چرخهای قضا »

- « قضاوت و حقیقت دو کیفیت بسیار دقیقی است »
- « که ادوات سنجش ما برای تطبیق آن حساسیت کافی »
- « ندارد . اغلب ما از مراکز اصلی آن منحرف شده »
- « و تمایل بیشتر در جهت خلاف حقیقت است »
- « پاسکال »

بر طرز استدراک حرجی نیست انسان و مطالعات فزاینده  
این حقیقتی است که از دیر زمانی بردانشمندان علم الاجتماع ثابت شده اما اشکال  
بهم در همین فهمیدن است .  
شاید در اطراف گردش چرخهای قضا و سازمان دادگستری زیاد بحث شده و کتب  
و رسالات بسیاری نوشته شده کنفرانسها و سخنرانیهای بیشماری در دنیای متمدن ایراد گردیده  
باشد .

از چگونگی سازمان اداری دادگستری . نحوه انتخابات قضاة و هیئت منصفه .  
نقش دادستان . وظیفه وکیل مدافع و غیره صحبتها و مطالعات زیادی بعمل آمده است و همه  
اینها برای تعیین تکلیف فردی از اجتماع است که بعلم ارتکاب یا انتساب عملی باو عنوان  
متهم میدهند .

ولی با وجود آنکه متهم نقطه مرکزی چرخهای جزائی است کمتر  
درباره خصوصیات و نقش او بحث شده است و چون هیولای اتهام مانند جغد شومی  
همیشه بالای سر هر فردی در پرواز است موضوع بحث ما بیان موقعی است که این هیولای  
منحوس گریبانگیر کسی شده و او را به پیشگاه قضا می کشاند !

## متهم و گردش چرخهای قضا

قبل از شرح موضوع این نکته یاد آوری میشود که زنهار منظور تشریح اوضاع دادگستری خودمان نیست.

وقتی میگوییم متهم منظورم فرد گرفتاریست در مقابل دستگاه دنیا و بهیچوجه نظر به متهم خودمانی و دستگاه قضائی خودمان ندارم.

بلکه متهم ما و گردش دادرسی ما مانند سایرین در نظر گرفته شده و در ضمن توضیحاتی که بیان خواهد شد (و محصول یکقرن همکاری با دادگستری و مطالعات است) پیشنهادی برای تغییر اوضاع دادگستری نخواهم داد چه اشکال امر موضوع سازمانی نیست بلکه کیفیات معرفت الروحی است که باید با اصلاحات فردی و رعایت احساسات بشری تغییر یابد.

اصولاً ورود به جلسات دادگاههای جزا آزاد است ولی بسیاری از مردم هرگز باین فکر نیفتاده‌اند که قدم در آنجا گذاشته تا به بینند در این اتاقها که بر چسب شعبه چند دادگاه جنائی یا دادگاه جنحه روی آن خورده است چه میگذرد!

مردم عادی این منظره را نمی بینند که فردی از هموعان خود باین گرفتاری افتاده و برای رهایی خود تلاش و تقلا میکند اما نه در مقابل افراد انسانی بلکه در مقابل یک دستگاه عظیم ماشینی مکانیک که با کندی و صعوبت می گردد.

در خارج نمی توان تصور کرد متهمی که در جریان محاکمه خود بصورت مجنی علیه است چه ساعات خطرناکی را می گذراند تا از عنوان «متهم» بصورت «محکوم» یا «مبری» در آید.

قصدم یک تجزیه و تحلیل احساساتی نیست و نتیجه‌ای بمنظور دفاع از قاتلین و جانبان نخواهد بود. بلکه می خواهم ناظر یک دادگاه جنائی متوجه شود که حریم انسانیت و احترام بشری تا چه حد شگفت انگیزی ممکن است پائین بیفتد.

یکی از شرایط اولیه احترام به فرد انسان شناسائی خود است هیچ آزمایشگاهی بهتر از یک جلسه دادگاه جنائی نیست که انسان را بطرز فکر و روحیه افراد و هموعان خود آشنا سازد.

محاکمه که شروع شد به صدور رای ختم می گردد اعم از اینکه متهم فهمیده شده باشد یا اساساً به درک روحیه او موفق نشده باشند!

مراقب باشیم و زود قضاوت نکنیم. یک روز متهم خواهیم شد و این مطالب امروزی به خاطر خواهد آمد.

بحث ما در اطراف آنروزی است که بعنوان متهم در دادگاه حاضر میشویم.

## تشریفات :

**اغلب اوقات چرخهای دادگستری روی محور اشتباه و عدم تفاهم**

**می گردد.** متهم امیدوار است که بوسیله فرد بشر محاکمه و دادرسی شود و حال آنکه در مقابل یک دستگاه مکانیکی قرار می گیرد!

### متهم و گردش چرخهای قضا

آنچه بیشتر سبب اشتباه میشود این است که تمام قطعات این ماشین را افراد انسانی تشکیل می دهند ولی مجموع آن باز یک ماشینی است که عنصر بشری در آن کمتر دیده میشود.

### متهمین معمولاً بر دو نوع اند:

یک دسته آنهایی هستند که کاملاً واقف و آشنا به چرخهای قضا و مکانیک داد گستری بوده و میدانند چه باید بگویند و چه باید بکنند تا با حد اقل مجازات و ارفاق زیاد رهایی یابند.

این دسته دنبال تحریک عواطف انسانی نمی روند بلکه سعی دارند از لابلای چرخهای کج و معوج این ماشین خطرناک با تردستی و زرنگی جان بدر ببرند (مانند محاکمه محمد باقر گلپایگانی که متهم به چند فقره قتل بود و در خاطر اغلب اشخاصی که با داد گستری سر و کار دارند باقی است که: آنقدر این شخص به جریانات قضا واقف بود که بالاخره با خون سردی و تردستی به نتیجه رسید)

دسته دوم آنهایی هستند که مایلند حقیقت امر کشف شده و مکنونات باطنی و علت رفتار و کردارشان بر داد گاه روشن شود. با سر سختی و لجاجتی سعی می کنند که در جلسه دادرسی حقیقت و واقع خود نمائی کند و عقیده دارند که موضوع محاکمه کشف واقع و حقیقت است.

البته این طرز عمل ممکن است خطرناک باشد مگر آنکه بجای دستگاه خود کار قضا بشر و عواطف و شعور انسانی قضاوت کند.

بگمان متهم همه دادرسان در ک واقع را خواهند کرد و مطمئن است که اگر آنها مطلب را کاملاً بفهمند عفو و بخشودگی و برائت او قطعی است.

اما اگر در این عقیده اشتباه کرده باشد چوبه دار یا زندان ابد مکافات این طرز فکرش خواهد بود.

آخر چگونه میتواند خود را بفهماند (یعنی بشناساند)؟

قرار بازپرس و ادعا نامه دادستان صریح و گویا است. در فلان روز فلان ساعت مرتکب فلان عمل جنائی شده که ماده چندم قانون مجازات عمومی کیفر آنرا تعیین کرده است.

چه جوابی در مقابل این اتهام صریح (که باتکای آن شاید آلات و ادوات جرم هم روی میز داد گاه دیده میشود) می توان داد؟

علاوه بر آنکه اوراق و محتویات پرونده حکایت از ارتکاب این عمل جنائی میکند. گزارش پلیس و ضابطین عدلیه را چه بکند؟

### با شهادت شهود چه باید کرد؟

این اوراق روی میز رئیس داد گاه انباشته شده است و در واقع محاکمه پرونده است دادرسی دوسیه است متهم دیگر چه می گوید؟

تازه اگر بخواهد راجع بگزارشات خلاف واقع ژاندارم و پلیس صحبت کند مگر

## متهم و گردش چرخهای قضا

ماده . . . . آئین دادرسی کیفری نمی گوید که گزارش ضابطین دادگستری معتبر است مگر آنکه خلافش ثابت شود؟

به قول یک متهم چه اعتمادی میتوان کرد؟ مگر معمولاً متهم این اتهام را هم ندارد که دروغگو است .... ؟

هر ورقه مشکوک و ملکوکی که در پرونده است برای دادرسان و مخصوصاً دادستان اهمیت زیادی پیدا می کند: گفتار شهودی که از روی هوا و هوس و مخصوصاً جهل و نادانی طرد آلباب گفته شده مورد استناد دادستان و سئوالات رئیس دادگاه قرار میگیرد! گزارش پلیس به نفع او نیست. همسایه دیوار به دیوار او گفته است که رویه زندگی اخیر او تردید آمیز بوده است. در زندگی متهم نکاتی پیدا می کنند که هرگز در خاطره او هم نبوده است طومار حیوتش را آنطور نشان می دهند که گوئی مربوط به فرد دیگری است. هزاران عامل بی اساس و بی پایه در طراحی این پرونده سیاه مؤثر بوده که در رأس آن بی ایمانی و جهل شهود و حب و بغض و کینه توزی است. مجموع این عوامل میشود محتویات پرونده که بر اساس آن سر نوشت متهم تعیین میشود.

اگر به این مطلب اوضاع و احوالی که بعداً ذکر خواهد شد اضافه فرمائید آنوقت مطلبی را که در بالا اشاره کردم تصدیق خواهید فرمود که:

### « اغلب اوقات چرخهای دادگستری روی محور اشتباه میگردد.... »

ماشین قضائی برای کشف حقیقت و درک درد و آشنائی به اصول روانشناسی ساخته نشده. البته اگر متهم را بفهمند طرز قضاوت فرق خواهد کرد:

دادگاه تشکیل میشود اوراق پرونده خوانده میشود اگر عمل جرم بود منطبق با فلان ماده شده مجازات اعلام میشود ورنه تبرئه خواهد شد البته قرائن مخففه به اختیار دادرس هست اما مطلب ما غیر از این است و هدف خیلی بالاتر.

برای آنکه مطلب کاملاً روشن شده باشد و به بینیم چه عواملی غیر از حق و حقیقت در تعیین سر نوشت متهم مؤثر است وارد یک جلسه محاکمه جنائی میشویم.

قبل از آنکه محاکمه تشکیل شود جرائد و روزنامه ها با خطوط درشت و جلب کننده و عده یک محاکمه جنائی بزرگی را داده و خبر نگار قضائی قبلاً افکار عمومی را آماده کرده است.

مردی به فجیعترین طرز عیال خود را با ۲۲ ضربه دشنه کشته است و جسد مقتوله در فلان گودال پیدا شده است.

یا برادری خواهر منحرف خود را قطعه قطعه کرده است.

یا مردی مرتکب ۳ فقره جعل اوراق بهادار و اسناد رسمی شده است یا در حریق

عمد که منتسب به متهم است چندین طفل و زن و پیر مرد جان سپرده اند.

روز محاکمه فرا می رسد و تماشاچیها و آشنایان متهم یا مقتولین و مصدومین

### متهم و گردش چرخهای قضا

به دادگاه هجوم می‌آورند پیشخدمت دادگاه به اطلاع آقای رئیس می‌رساند که جلسه از تماشاچی پر است و حتی یک صندلی خالی نیست. روز مهمی است و شب در روزنامه‌ها جریان دادرسی را به اطلاع عموم رسانیده‌اند!

قبل از ورود هیئت دادگاه و کلای مدافع تقریر نویس‌ها، خبرنگاران عکاسان، دادستان و تماشاچی‌ها در جاهای مخصوص خود قرار گرفتند. اینها آشنایان به دستگاه و مشتریان معمولی هستند تازه وارد فقط متهم است که تمامی این سن برای او نویر است.

معتادین بدستگاه یکدیگر را می‌شناسند هر کس میدانند دیگری چه رویه‌ای خواهد داشت فلان و کیل خیلی تند و عصبانی است و با دادستان طرف خواهد شد آن دیگری آرام و متین و کم صحبت است. این دادستان با حرارت و خشن است. رئیس خیلی به نظم جلسه اهمیت می‌دهد. در این صحنه چنانچه عرض شد بازیگر جدید متهم است. زیاد اهمیت ندارد اما خصوصیات هر یک از قسمتهای تشکیل دهنده دادگاه در وضع و سرنوشت او مؤثر است.

رئیس دادگاه اصولاً بی‌طرف است ولی طنین صدای او و طرز سئوالانش و اینکه وقت و فرصت کافی برای جوابگویی به متهم بدهد یا نه در مقدرات او مؤثر است.

عطوفت و مهربانی یا خشونت و سختگیری و چگونگی پرسش‌ها متهم را امیدوار و یا مأیوس خواهد کرد ولی در هر حال بی‌طرف است.

دادستان خیلی به متهم حمله می‌کند و او را چون دیوسبع و خونخواری معرفی می‌نماید از او توقعی نباید داشت حریف و رقیب است ولی رفتار و نقش رئیس دادگاه مهم است. اگر متهم را به پیچاند و او را در تنگنا نگاهدارد عاقبتش وخیم خواهد شد بلند حرف زدن یا آهسته صحبت کردن رئیس مؤثر است.

وقتی در دادگاه رئیس محاکمه خیلی آرام تکلیف آخرین دفاع به متهم کرد و از او پرسید: آیا حرف دیگری دارید یا نه آیا از این قتلی که مرتکب شده‌اید اظهار ندامت و پشیمانی می‌کنید یا نه - متهم قسمت آخر بیان رئیس را نشنیده جواب داد خیر.

صدای اعتراض و ابراز تنفر تماشاچیها شنیده می‌شد

آنها نمی‌دانستند که وقتی متهم گفت «خیر» منظورش این بود که عرض دیگری ندارد و عبارت آیا از عمل خود نادم و پشیمانید یا نه «را نشنید»

دادگاه در رأی خود هیچ ارفاقی به این متهم سرسخت نکرد و حال آنکه فقط ضعف حس سامعه بود که چنین سرنوشتی را برای او تعیین کرد. اما آنچه بیشتر برای متهم تعجب آور بوده و موجب یأس و نوبیدی او می‌گردد رفتار و کیل مدافع او در دادگاه است!

قبل از جلسه دادرسی و کیل را یار و رفیق خود می‌دید نصایحی از او شنیده و راه‌ها و طرقی برای دفاع خود آموخته بود ولی در جلسه محاکمه می‌بینید که وکیلش با یک ادب و احترام و نزاکت و حتی اطاعت و انقیاد عجیبی نسبت به دادگاه رفتار کرده مراتب فضل و دانش و بی‌طرفی رئیس محکمه را می‌ستاید و از او تعریف‌ها و تمجیدهای کند

### متهم و گردش چرخهای قضا

و تقریباً با مدعی العموم که طرف و دشمن اوست با همان لحن مؤدب و با نزاکت صحبت می‌دارد

بعضی از اوقات هم که متهم حس میکند جریان داد رسی به نفع او می‌چرخد یک مرتبه آقای وکیل مدافع صحنه و حادثه‌ای بمیان آورده که صرفاً بمنظور دفاع از شئون و حیثیت خود اوست و ربطی به کار متهم ندارد.

وکیل از سوابق درخشان تحصیلات عمیق و اطلاعات وسیع خود سخنرانی کرده یا سیاست وقت و اوضاع جهانی اشاراتی نموده یا ایدئولوژی شخصی خود را در میان گذاشته و ممکن است که مبارزه و مباحثه شخصیت، منیت، فصاحت و بلاغت بین او و دادستان و حتی رئیس محکمه برپا شود و در این میان موضوع اتهام متهم از بین رفته گوئی وکیل از خودش دفاع می‌کند. شاید این رفتار وکیل برای آن است که به نفع موکلش نتیجه‌ای بگیرد اما این استدلال او را قانع نکرده و در پشت میز اتهام در بدبختی‌ها و ناراحتی‌های خود غوطه‌ور است.

شگفتی و ناامیدی متهم از وکیل مدافعش در جلسه دادگاه دلائل دیگری دارد که پایه و مبنای آن روی همان عدم آشنائی او به گردش چرخهای دادگستری است یکی از پزشکان قانونی که در دادگاه راجع به چگونگی ورود ضربه منجر به فوت صحبت می‌کرد چندین بیان عقیده نمود که **بگمان** او ضربه از پشت به مقتول وارد آمده وکیل مدافع ساکت بود متهم آهسته به وکیلش گفت:

اعتراض کنید نظر پزشک قانونی صحیح نیست و اگر ثابت شود که ضربه از پشت به مقتول وارد آمده کار من بدتر خواهد شد.

وکیل که به روحیه آن پزشک کاملاً واقف بود باز سکوت کرد در خارج جلسه بموکل خود گفت من این آقای دکتر را می‌شناسم اینقدر لجوج است که اگر من ایراد می‌کردم آن لحن به **«گمان»** من را هم عوض میکرد و **«منجزا»** می‌گفت قطعاً ضربه از پشت وارد شده است.

بالاخره با دیدن این اوضاع و احوال متهم متوجه میشود که هیچگونه نقشی ندارد و مقدرات او بسته به عوامل و عناصری است که بکلی از او و حتی خارج از کرده اوست.

وکیل بجای متهم لغت **«من»** استعمال میکند و تمام شخصیت و موجودیت او را ندیده می‌گیرد و تعجب بیشتر او در این است که هر وقت بخواهد حرفی بزند وکیلش اصرار در سکوت و خموشی مینماید چه از گفته‌های سابق متهم ناراضی است و از ادامه آن پاک دارد!

من از متهمی در دادگاه جنائی دفاع می‌کردم که بیشتر مایل بود خود را آرتیست و هنرپیشه نشان دهد تا بیگناه و مبرا.

من میدانستم حرکات و ژست‌ها و لغات بی‌مورد او موجب نا راحتی و شاید عصبانیت محکمه می‌شود اما او بیشتر بهمان دقایق اهمیت میداد تا به نتیجه دادرسی.

### متهم و گردش چرخهای قضا

طرز رفتار او در دادگاه موجب تذکر محکمه شد اما او بقدری در فکر خود فرو رفته بود که اهمیتی به گردش قلم دادرسی در پایان محاکمه نمیداد.

بیشتر حملات دادستانها و شاید استدلال دادگاه را گفته‌های نسنجیده خود متهم در محضر محکمه تهیه می‌کند.

(وجود مخبرین جراید، عکاسها، تماشاچیها، موافقین و مخالفین، موجب سوء تعبیرها و لکنت زبانها و اختلاف گوئی‌های او میشود.)

جراند که کمتر اتفاق می‌افتد یک موضوع جنائی را از زاویه حقیقت و واقع مطالعه کنند غالباً دنبال درج مطالبی هستند که جلب توجه خوانندگان را بیشتر بکند و در نتیجه تأثیر بسزائی در تعیین سرنوشت متهم دارند.

تماشاچیان که قسمت عمده دادگاه را اشغال کرده اند در سرنوشت متهم مؤثراند: قیافه‌های عصبانی و ناراحت یا نگاه‌های پر مهر و شفقت آنان خالی از تأثیر در چگونگی صدور رای نیست اینها یک مقدار عواملی است که متهم با آن در دادگاه جنائی سروکار دارد.

اما عوامل دیگری در دادرسی مؤثر است که موضوع بحث بعدی ما خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی